

جنگ مذهبی در عراق توطئه ای امپریالیستی

پیدایش گروه "داعش" و تکامل آن

جنگ مذهبی هولناکی که در شمال عراق در جریان است و در صدر اخبار جهان قرار گرفته است، ریشه در جنگ های تجاوزکارانه امپریالیستی در عراق و افغانستان دارد. عده ای از مفسران سیاسی بر آنند که این تقسیم بندی جدید جغرافیای سیاسی منطقه، بر اساس خواست امپریالیستها صورت می گیرد. بر این اساس باید در تقسیم بندی مناطق نفوذ امپراتوری عثمانی در قبل از جنگ جهانی اول، تجدید نظر به عمل آورد و کشور عراق را نیز در چارچوب خاورمیانه بزرگ آمریکا تجزیه کرد.

عامل اختلافات دینی به منزله سرپوشی بر این سیاست و به عنوان ابزاری برای تحقق این سیاست به کار گرفته می شود. تجزیه هندوستان مستعمره به هندوستان مستقل، پاکستان، و بنگال دش در خدمت سیاست امپریالیستی بریتانیا و در زیر لوای اختلافات مذهبی صورت گرفت. این قصه در تاریخ منطقه سر درازی دارد. به این جهت هرگز نباید اجازه داد که مبارزه ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی تحت الشعاع اختلافات مذهبی قرار گیرد که به نفع امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه و سراسر جهان است.

منطقه خاور میانه به گرهگاه تضادهای جهان تبدیل شده است. در این درگیریها بجز امپریالیستهای آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، روسیه و چین، دول منطقه نظیر ایران، عربستان سعودی، قطر، مصر، سوریه، اردن، ترکیه و اسرائیل از طریق بسیج گروه های جهادی و کردهای تجزیه طلب دست دارند. این است که ما با اتحاد عملهای کوتاه مدت و دراز مدت با اشکال متنوع و گوناگون و بخشا شگفت آور روبرو می شویم. سردرگم در میان ایرانی های اپوزیسیون، کسانی هستند که حلقه اساسی مبارزه بر ضد امپریالیسم و بر ضد صهیونیسم را از دست بدهند و مجددا در پی آن باشند که با ایجاد جبهه وسیع ضد فاشیستی فراگیر و همه با هم همه، فاشیستها، از سلطنت طلبان رضا پهلوی گرفته تا مجاهدین خودفروخته را برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در خدمت ارتش داعش و همدستانش بسیج کنند و نام انقلابی بر آن نهند. ما با تئوری های "ایجاد جبهه سوم" در اشکال جدید روبرو هستیم. ما مجددا طنین ناقوس "ایجاد جبهه وسیع فراگیر برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" در مقابل "ایجاد جبهه وسیع فراگیر برای جلوگیری از جنگ" را می شنویم.

سازمان مجاهدین ضد خلق، سازمان فروخته ای که بیشرمانه از اپوزیسیون آدمخوار القاعده و وهابی و سلفی در سوریه دفاع کرده و در ادامه منطقی این سیاست ارتجاعی از جریان پس مانده و تروریستی داعش که توسط امپریالیست آمریکا و عربستان و قطر پروار شده است دفاع می کند، اکنون در راستای منافع جغرافیای سیاسی "دکترین خاورمیانه بزرگ" و تجزیه عراق به میدان آمده است. این تشبیهات نشان از ماهیت تبهکارانه جریان است که برای سرنگونی جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی در ایران، هیچ ابایی ندارد تا با کثیف ترین و ضد بشرترین نیروهای دست پرورده امپریالیست آمریکا همکاری کند.

پس از شکست حکومت طالبان در افغانستان در سال ۲۰۰۱ بن لادن به تشکیل شبکه جهانی تروریستی القاعده دست یازید، که دامنه آن نه تنها کشورهای مسلمان نظیر افغانستان، پاکستان، عراق، لیبی، تونس و حتی چین را در بر می گرفت، بلکه برخی از افراطیون سنی ساکن اروپا و آمریکا را نیز به خود جلب کرد.

در واقع ریشه "داعش" (الدولته الاسلامیه فی العراق و الشام) از همین گروه القاعده روئیده است. این گروه در آغاز تحت نام "جبهه النصره" در سوریه و عراق فعالیت تروریستی خود را شروع کرد. رهبر فعلی گروه "داعش" "ابوبکر البغدادی" می باشد، که نام مستعار اوست. او در گذشته تحت نام های "ابو دعا" و دکتر ابراهیم علی البدری مشهور بود. "البغدادی" در گذشته دارای شغل "شریف" آخوندی در عراق بود. او به خاطر دارا بودن خوی حیوانی و خصلت مخوفش از همان آغاز تشکیل گروه "جبهه النصره" به عضویت در رهبری آن پذیرفته شد.

بعد از کشته شدن "ابومصعب الزرقاوی"، از سال ۲۰۱۰ "البغدادی" رهبری این گروه "جهادی" را در دست گرفت. بعد از بروز اختلافات و درگیریهای شدید میان سران القاعده - جبهه النصره - "ابوبکر البغدادی" سرانجام در سال ۲۰۱۳ در سوریه گروه "داعش" (دولت اسلامی عراق و شام) را بنیاد نهاد. که مورد پشتیبانی برخی از دول غربی نظیر فرانسه و نیز عربستان سعودی قرار گرفت. در کنار "داعش" نیروهای دیگر تروریستی سوری نظیر بقایای "جبهه النصره" و ارتش آزاد سوریه (متشکل از برخی از افسران و درجه داران صدام) نیز وجود داشتند که در اثر

اختلافات و درگیری‌ها راه خود را جدا ساختند. گروه "داعش" که در ژانویه سال جاری در اثر پیشروی ارتش اسد شکست خورده بود، به تدریج نیروی خود را به شمال عراق منتقل و با شعار ما می مانیم و گسترش می یابیم "فعالیت اصلی گروه را در آنجا متمرکز ساخت".

لازم به یادآوری است که در حال حاضر نیروهای دیگر نظیر "ارتش مجاهدین" (یک تشکل قدیمی سلفی عراقی)، "ارتش مردان طریقت نقشبندی" (افسران ارتش بعث، که تحت فرماندهی عزت ابراهیم الدوری، معاون بسیار قدرتمند صدام حسین است که تحت پیگرد آمریکا قرار داشت)، "ارتش اسلامی عراق"، افسران سابق صدام، اعضای حزب بعث عراق از "داعش" حمایت می کنند.

شایع است که در کنار برخی از افسران صدام، علمای تونسی و عربستانی جزء فرماندهان "داعش" هستند. "جبهه اسلامی" که از اخوان المسلمین های سوری و مصری و ترکها تشکیل شده است نیز جزء پشتیبانان "داعش" به شمار می آیند. طبق اخبار موجود هم اکنون تعداد جنگجویان "داعش" به ۶۰۰۰۰ نفر می رسد.

این گروه که ابتدا حملات خود را از استان "الانبار" در عراق آغاز کرد، اکنون مناطق زیادی از "دیرالروز"، "الرقه" و "حلب" در سوریه و "رمادی"، "فلوجه"، "تکریت"، سامراء، موصل و حوالی کرکوک را به تصرف خود در آورده است. این گروه ضد بشر در "رقه" (سوریه)، که پایگاه اصلی شان محسوب می شود، بی سر و صدا دست به جنایات هولناک و بی شماری یازیده اند.

آنها در همین شهر ۱۰۰۰ نفر از مخالفین خود را به زندانهای مخوف انداخته اند. این جنایتکاران آب رود فرات و سد فلوجه را به روی مردم بغداد بسته اند. "داعش" جهت ایجاد رعب و وحشت به اعدامهای میدانی و خیابانی شیعیان و معترضین دست می زند. از سر بریده افسران عراق به عنوان توپ فوتبال استفاده می کنند. در ویدیویی که ۱۵ ژوئن منتشر شد، "داعش" در حوالی تکریت ۱۷۰۰ نفر که ۴۵۰ تن آنان از نظامیان ارتش عراق بودند، یکجا به گلوله بسته است. و بدین ترتیب جهانیان شاهد یکی دیگر از فجایع تکان دهنده در تاریخ جنگ های بشدت ارتجاعی مذهبی شدند. هم اکنون قریب به یک میلیون عراقی برای نجات جان خود آواره گشته اند.

آری اینست ابزار دست عربستان و اربابان امپریالیستی اش در راه به کرسی نشاندن اهداف ارتجاعی شان در منطقه. اینست آن گروهی که مایل است یک حکومت امارات (امیری) در بغداد و سوریه برقرار سازد.

علل رشد و پیش روی سرسام آور "داعش"

- حمایت مالی و نظامی بی حد و حصر کشورهای ارتجاعی عرب، بویژه عربستان و قطر از این گروه می باشد. در همین رابطه لازم بیاد آوری است که عربستان با اجیر کردن مزدوران القاعده و سلفیست از چین، لیبی، تونس، افغانستان، پاکستان و اردن و پرداخت سالانه ۵۰ هزار دلار به آنها در بنیان گذاری گروه "داعش" امروری نقش اساسی داشته است.

- اخاذی "داعش" از مردم سوریه، چنگ انداختن بر منابع نفتی و کارخانه ای و بانکی شرق سوریه.
- تبانی برخی از مقامات موصل با تروریستها و پشتیبانی اعضای حزب بعث که چم و خم ارتش عراق را می شناسند.
- استفاده از روابط ارتباط جمعی که برخی از کشورهای عربی نظیر عربستان و قطر در اختیار آنها قرار داده اند تا در افکار عمومی مردم سوریه و عراق - بویژه سنی ها - نفوذ کرده و آنها را به خود جلب کنند و در عین حال در شیعیان ساکن این دو کشور رعب و وحشت ایجاد کند.

- چنین شایع است که مامورین عربستان سعودی بسیاری از مسئولین رده های بالای امنیتی و سیاسی سامراء و موصل را با پول خریدند، تا مقاومت در مقابل "داعش" را در هم بشکنند.

- نفوذ نیروهای بعثی در ارتش عراق در عقب نشینی ارتش در مقابل "داعش" بی تأثیر نبوده است.
- سربازان شیعی ارتش عراق، رسالتی جهت رهائی مناطق سنی نشین از چنگال "داعش" برای خود قائل نیستند و به همین دلیل رغبتی در مقابله با "داعش" از خود بروز نمی دهند. بسیاری از شیعیان می دانند که نوری مالکی را امپریالیستها بر سر کار آورده و عراق یک کشور اشغالی و نیمه مستعمره است.
عربستان سعودی از کارخانه اسلحه سازی که در اوکراین خریده است، سلاحهایی را از طریق ترکیه در اختیار "داعش" قرار داده است.

- و بالاخره "داعش" بار سرققت ۴۲۹ میلیون دلار از بانک اصلی موصل به ثروتمندترین گروه تروریستی جهان تبدیل شده است. این سرققت که در پی غارت و چپاول کلیه دارایی ها و اموال مردم موصل انجام شد را "انئیل لنجیفی" استاندار استان "نینوا" تأیید کرده است.

گسترش جنگ مذهبی توطئه ای در خدمت سلطه امپریالیسم بر خلیج فارس است

امپریالیسم آمریکا که تا کنون قادر نگشته است به طرح دکترین خاور میانه بزرگ جامه عمل پوشد، که تجزیه عراق به سه منطقه کرد، سنی و شیعه، جزئی از این برنامه بشمار می آید، اکنون با بوجود آوردن گروه "داعش" از طریق عمل خود، دام جدیدی گسترده تا از این طریق به هدف دیرینه خود برسد. جالب اینجاست که به موازات پیش روی "داعش" در شمال عراق پیشمرگه های کُرد نیز مشغول تصرف کرکوک هستند تا به آرزوی "کردستان بزرگ" خود جامه عمل پوشند. آنها در حقیقت آب به آسیاب امپریالیسم می ریزند. کردستان امپریالیست ساخته ی عراق، در تجربه نشان می دهد که مبارزه ملی در دوران امپریالیسم چنانچه با مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم همراه نباشد، حرف مفت است و حکومت کنونی کُرد یک رژیم دستنشانده آمریکا و اسرائیل دوم در منطقه است که باید با آن به عنوان عامل تفرقه و دشمنی با خلقهای منطقه مبارزه کرد. کردستان عراق با گروه تروریستی "داعش" به رد و بدل کردن اسراء اشغال دارد و گلیم خود را از آب بیرون می کشد و اساساً خود را بخشی از عراق نمی داند تا در تحت یک رهبری منسجم و متمرکز با دارو دسته "داعش" جنگیده و مبارزه نماید. آنها در واقع با "داعش" قرار داد صلح بسته اند، تا لشگر آنها به سمت بغداد سرازیر شود. آنها به عامل تجزیه در منطقه بدل شده اند و همدست صهیونیسم و امپریالیسم هستند.

بی جهت نیست که اخیراً آمریکا و هم پیمانان نزدیک غربی اش بار دیگر برای اینکه در این اوضاع پیچیده سرکردگی و کنترل خویش را از دست ندهند، زمزمه دخالت نظامی هوایی و زمینی را سر داده اند. و باز بی جهت نیست که آمریکا ناو هواپیمابر USS-Georg H.W. Bush: که تا کنون در دریای عربستان مستقر بود را روز یکشنبه ۱۷ ژوئن به سمت خلیج فارس روانه ساخته است. اگر امپریالیسم آمریکا رؤیای حضور و سلطه بلامنازع در خلیج فارس و منابع نفت و گازش را در سر می پروراند، عربستان و اسرائیل نیز هر یک با حرکت از منافع خود در این توطئه بزرگ سهیم اند و از نقش آفرینی "داعش" در عراق مسرورند.

چگونه می شود که در مدت یک هفته کشوری که آمریکا آنرا به عنوان یک نیروی قدرتمند منطقه مسلح کرده بود، دچار چنین شکستی در مقابل یک گروه "جهادی" شود؟ و آمریکا که با فن جاسوسی جهانی مجهز است و با انواع ماهواره های جاسوسی ناظر بر تحولات منطقه است خود را غافلگیر نشان دهد؟ و صبورانه منتظر نتایج این لشگر کشی مانده و شرط مداخله بر ضد "داعش" را استعفای نوری ملکی قرار دهد؟

در تاریخ سه شنبه ۱۷ ماه ژوئیه در ساعت ۲۱/۴۵ دقیقه بعد از ظهر، در کانال یک تلویزیون آلمان تحت عنوان "رپورت مونشن" گزارشی از جنایات گروه "داعش" در عراق و رد و بدل کردن اسراء کرد با جهادیستهای "داعش" توسط حکومت جلال طالبانی و بارزانی ارائه کرد. بر اساس گفته شهود، رهبر مذاکره کننده در گروه "داعش" که در سطح رهبری این گروه نقش مهمی بازی می کند یک جوان آلمانی بنام الکساندر مونیخی هست که از آلمان بدانجا رفته است. بیننده بی اختیار یاد لارنس عرب می افتد. یک جوان آلمانی که قادر نیست به زبان عربی صحبت کند ولی مسلمان "دو آتشه" است در این لشگر کشی ها چه در سوریه و چه در عراق نقش مهمی ایفاء می کند. باید پرسید کسی که عربی بلد نیست و از خانواده مسیحی است، چگونه اسلام نیاموخته، مسلمان شده است و نماز را به کدام زبان خوانده و چگونه قرآن را مطالعه کرده و از دین مسیحی به دین اسلام برگشته است؟ هر چه بیشتر این ملفه را هم می زیند بوی اعمال نفوذ متعفن امپریالیستی/صهیونیستی بیشتر از آن بر می خیزد.

گرچه در عمل "البغدادی" رهبر خونخوار گروه "داعش" محسوب می شود و عملیات این گروه را رهبری می کند، اما هدایت کننده و پشتیبان اصلی "داعش" عبدالرحمان آل فیصل برادر پادشاه سعودی و وزیر امور خارجه فعلی این کشور به شمار می آید. آیا امکان ندارد، اگر امپریالیسم و صهیونیسم حساب جداگانه ای برای قمارهای سیاسی در منطقه برای خویش باز نکرده باشند، عربستان سعودی بر سر جای خود نشاند و حسابهای بانکی و مالی کمک به تروریستها را مسدود کرد و از ارسال اسلحه از مرز ترکیه و اردن به تروریستهای جهادی جلو گرفت؟

سران وهابی عربستان سعودی که برنده شدن المالکی شیعه در انتخابات عراق و اسد علوی را در سوریه بر نمی تابند و در عین حال جمهوری اسلامی شیعی را نیز دشمن خود به حساب می آورند. طبیعی است که به شورش در سوریه و عراق دامن زنند و خواهان کشیده شدن پای جمهوری اسلامی ایران به این جنگ خانمان سوز باشند. زیرا این کشورها در اثر درگیری در یک جنگ فرسایشی با پوشش مذهبی اولاً تضعیف، ثانیاً تمامیت ارضی شان به خطر افتاده و با خطر جدی تجزیه مواجه خواهند شد. و اینها همه به نفع امیران عربستان سعودی و اربابان امپریالیستی و تمام متحدشان در منطقه، از جمله کردها تمام می شود.

تشکیل "سپاه صحابه" و "جندالله" در افغانستان و پاکستان، "القاعده" در افغانستان و عراق و اکنون "داعش" که با کمک های سرشار مالی و نظامی عربستان و قطر صورت پذیرفته است، جملگی در خدمت این استراتژی جنایتکارانه قرار دارند.

بدون تردید دولت صهیونیستی اسرائیل نیز از تضعیف نیروهای نظامی کشورهای مسلمان درگیر جنگ مذهبی شادمان خواهد شد. زیرا به دیده آنها "از هر طرف که کشته شود به نفع صهیونیسم است" !!
اسرائیل که در کردستان عراق نفوذ کرده، در تصرف کرکوک توسط پیشمرگه های کرد حضور فعال داشته است.

جمهوری اسلامی و جنگ مذهبی

ج. ا. ایران که طی حیات سی و پنج ساله ننگینش، پیوسته هیزم بیار آتش جنگ مذهبی شیعه و سنی بوده است و به سرکوب کردها و بلوچهای سنی پرداخته و در عراق و لبنان به نزاع مذهبی دامن زده است، رئیس جمهورش چند روز پیش اعلام کرد که "می توان به همکاری با آمریکا در اقدام علیه "داعش" فکر کرد". وی در واقع به نمایندگی از جانب رژیم ج. ا. ایران، آمادگی شرکت مستقیم نظامی ایران در یک جنگ مذهبی خانمان برانداز را که آرزوی قلبی امپریالیسم آمریکا و نوکران منطقه اش، عربستان و قطر و اسرائیل می باشد اعلام کرده است.

بیهوده نیست که سردار سلیمانی با ۶۷ مشاور ارشد خود حدود ۱۰ روز پیش روانه عراق شد تا به فرماندهان ارتش فروپاشیده عراق کمک کند. در واقع این سرآغاز شرکت مستقیم نظامی ایران در این جنگ مذهبی است. البته سران ج. ا. ایران شرکت خود در این جنگ را دفاع از اماکن مقدسه نجف و کربلا و سامراء وانمود می سازند، ولی بر کسی پوشیده نیست که هدف اصلی شان تحکیم و گسترش قدرت و نفوذ در منطقه است. غافل از اینکه شرکت در این جنگ مذهبی که با توطئه امپریالیسم و نوکران او صحنه سازی شده است، پیروی از یک سیاست ماجراجویانه خطرناکی خواهد بود که عواقبی بس مهلک و شکننده برای مردم میهن ما بدنبال خواهد داشت. جنگی طولانی و فرسایشی که نه تنها نیروی انسانی و مالی را نابود می کند، بلکه تمامیت ارضی میهن ما را با خطر جدی مواجه و آن را در معرض تجزیه قرار خواهد داد. این جنگ به دوستی خلقهای منطقه صدمات جبران ناپذیر وارد می کند.

مردم ایران که تجربه ۸ سال جنگ خانمان سوز ایران و عراق را دارند بدون تردید با ورود ایران به جنگ، چه مذهبی و چه غیرمذهبی شدیداً مخالفت خواهند کرد و در مقابل آن به مقاومت برخوانند. کلید حل مشکل منطقه تشدید مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم و مبارزه مشترک همه خلقهای منطقه با خروج بی قید و شرط نیروهای اشغالگر در منطقه است. خلقهای منطقه باید با دخالتهای خارجی مخالفت کنند و بطلند که مردم منطقه خودشان سرنوشتشان را بدون دخالت امپریالیسم و صهیونیسم اشغالگر در دست بگیرند.

حزب کار ایران (توفان)

شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۳

www.toufan.org

toufan@toufan.org